



دیپلماسی اقتصادی و گشایش‌های پسابرجام

مهدی شاپوری*

اشاره:

در این نوشتار، ضمن ارزیابی وضعیت کلی دیپلماسی اقتصادی دولت، به‌ویژه در پسابرجام و چالش‌ها و موانع موجود در این زمینه، گشایش‌های اقتصادی پسابرجامی اخیر، به‌خصوص صدور مجوز فروش هواپیماهای ایرباس و بوئینگ به ایران و کاهش محدودیت استفاده از دلار در تجارت غیرآمریکایی‌ها با جمهوری اسلامی ایران توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا و همچنین قراردادهای همکاری و مشارکت شرکت‌های خودروسازی ایران با شرکت‌های خارجی بررسی می‌شوند.

مقدمه

پس از شکل‌گیری توافق جامع هسته‌ای (برجام) میان ایران و ۵+۱، به‌رغم وجود موانع و مشکلات متعدد و جدی در مسیر استفاده از دستاوردها و فرصت‌های این توافق، تا کنون گشایش‌های قابل‌توجهی در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده است. در این مورد، دیپلماسی اقتصادی دولت نقش مهمی ایفا کرده است. البته هنوز با شرایط مطلوب و قابل‌انتظار فاصله وجود دارد؛ که بخش عمده‌ای از آن، به موانع و گرفتاری‌های ناشی از غفلت‌ها و عقب‌ماندگی‌های گذشته، برخی ساختارها و فرآیندهای اقتصادی ناکارآمد و محدودیت‌زای داخلی و نیز تقابل عمده‌تأسیسی نگرش‌ها و نیروهای داخلی بر سر برنامه‌های اقتصادی مطلوب برای برون‌رفت کشور از وضعیت نامناسب سال‌های گذشته و حرکت در مسیر توسعه بازمی‌گردد. قاعدتاً بخشی از آن نیز به محدودیت‌ها

و سنگ‌اندازی‌های دشمنان و رقبای جمهوری اسلامی ایران در سطح جهانی و منطقه‌ای مربوط می‌شود. به هر حال، در ادامه تلاش دولت برای بهره‌برداری از فرصت‌ها و مزیت‌های برجام، تحولات و گشایش‌های جدیدی اتفاق افتاده است.

صدور مجوز فروش هواپیماهای ایرباس و بوئینگ به ایران از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا- پس از کش‌وقوس‌های فراوان بین دولت با کنگره این کشور و نیروهای فشار مخالف توافق هسته‌ای- اقدام مهمی است که با توجه به اهمیت و ضرورت نوسازی ناوگان هوایی کشور، در صورت اجرای توافقات صورت گرفته میان جمهوری اسلامی ایران و شرکت‌های ایرباس و بوئینگ، می‌توان آن را موفقیت بزرگی برای ایران به حساب آورد. رایزنی‌ها و عقد قراردادهای شرکت‌های خودروسازی ایرانی با خارجی‌ها نیز ادامه دارد و در یک ماه گذشته، در این مورد اتفاقاتی رخ داده است که مهم‌ترین آن، توافق همکاری مشترک میان سازمان گسترش و نوسازی ایران (ایدرو) و خودروسازی رنو است. کاهش محدودیت استفاده غیرآمریکایی‌ها از دلار در تجارت با ایران توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز مسئله مهمی است؛ هرچند هنوز هم مشکلات زیادی در مسیر ارتباطات و تعامل نهادها و بانک‌های ایرانی با سیستم مالی جهانی وجود دارد و برخی از کارشناسان معتقدند اقدام



جدید وزارت خزانه‌داری آمریکا تغییرات چشم‌گیری در روابط مالی ایران با بانک‌های بزرگ دنیا ایجاد نخواهد کرد.

دیپلماسی اقتصادی

اقتصاد همیشه عنصر مهمی در پازل قدرت دولت‌ها بوده است؛ به طوری که برخی معتقدند در طول تاریخ، ظهور و افول قدرت‌های بزرگ عمدتاً تحت تأثیر رشد اقتصادی و توان تکنولوژیک آن‌ها بوده است. با وجود این، تا قبل از قرن بیستم، به‌ویژه نیمه دوم آن، دولت‌ها در سیاست خارجی خود کمتر به‌صورت هدفمند به مسائل اقتصادی توجه داشتند. تا قبل از شکل‌گیری دولت‌های دموکراتیک، سیاست خارجی بیشتر ملک مطلق پادشاهان یا هیأت حاکمه بود و دیپلماسی نیز چیزی بیش از اعزام نمایندگان پادشاه یا هیأت حاکمه نزد پادشاه یا هیأت حاکمه کشور دیگر، به‌منظور پیشبرد منویات شخصی آنان، نبود. با افزایش قدرت و نفوذ طبقه بورژوازی و پس از تکامل دولت ملی (بعد از انقلاب فرانسه)، جایگاه مسائل اقتصادی در سیاست خارجی دولت‌ها ارتقاء یافت. در این دوران، مرنکانتلیسم یا ملی‌گرایی اقتصادی، تفکر حاکم اقتصادی بود که در تلاش دولت‌ها برای اندوختن هر چه بیشتر ثروت داخلی نمود پیدا می‌کرد. استعمار و غارت ثروت ملل دیگر توسط اروپایی‌ها، نتیجه چنین تفکری بود. سیاست خارجی دولت‌های اروپایی در این دوران عمدتاً در ترکیب با قدرت نظامی، متمرکز بر گشودن درهای منابع ثروت و غارت یا استثمار مردمان دیگر بود.

در تفکر مرنکانتلیسم، تجارت، یک‌طرفه و بر اساس قاعده برد-باخت است؛ یعنی یک‌طرف منابع و ثروت موجود را از راه‌های مختلف جمع کرده و آن‌ها را به‌عنوان پشتوانه قدرت خود انباشت می‌کند. این تفکر، یکی از دلایل مهم بسیاری از جنگ‌هایی است که در قرون ۱۸، ۱۹ و نیمه اول قرن ۲۰ رخ داد. لیبرالیسم و سردمدار مطرح آن در حوزه اقتصاد، یعنی آدام اسمیت، این شیوه و تفکر را به چالش کشید. اسمیت این بحث را مطرح کرد که با ذخیره کردن طلا و ثروت و بالاتر بردن دیوارهای گمرکی و تعرفه‌ای، هیچ‌کس منتفع نخواهد شد و صرفاً از طریق تجارت آزاد و در گردش قراردادن ثروت‌ها و سرمایه‌هاست که همه می‌توانند سود ببرند و از این طریق، احتمال وقوع جنگ نیز کاهش می‌یابد؛ چون بر اساس اصل مزیت نسبی یا حتی مزیت مطلق، همه در چارچوب وابستگی متقابل نه تنها سود می‌برند بلکه به هم نیز وابسته می‌شوند. به مرور زمان، این تفکر رواج پیدا کرد و با مسلط شدن آمریکا بر اقتصاد جهانی پس از جنگ جهانی دوم، مبنای دستور کارهای اقتصادی و تجاری در گستره وسیعی قرار گرفت. حتی بلوک کمونیسم که با سرمایه‌داری و لیبرالیسم مشکل اساسی

داشت نیز، در مناسبات با دنیای سرمایه‌داری و در مواردی، در درون خود، مجبور بود برخی قواعد لیبرالیسم در حوزه اقتصاد را بپذیرد (مانند پیگیری سیاست نپ^۱ توسط لنین) و تناقضاتی که در این مورد وجود داشت، بدون تردید نقش مهمی در فروپاشی ایدئولوژیکی و سیاسی این بلوک ایفا کرد.

فراگیری قواعد لیبرالیسم، پیوند حوزه‌های گوناگون فعالیت دولت‌ها را تشدید کرد و هم‌پیوندی‌های جهانی را نیز گسترش داد؛ مسئله‌ای که از آن به‌عنوان جهانی شدن یاد می‌شود. در نتیجه این وضعیت، بین سیاست و اقتصاد پیوندی قوی و ناگسستنی ایجاد شده؛ که شکل‌گیری رشته «اقتصاد سیاسی» نیز با هدف مطالعه این پیوند و تأثیرگذاری این دو عنصر بر همدیگر بوده است. دیپلماسی اقتصادی در این چارچوب، معنا و جایگاه پیدا کرده است. در واقع، دیپلماسی اقتصادی مفهوم نسبتاً جدیدی است و عمدتاً محصول پیوند اساسی است که جهانی شدن طی دهه‌های گذشته در روابط بین‌الملل، به‌ویژه میان حوزه‌های سیاست خارجی و اقتصاد دولت‌ها، ایجاد کرده است. استفاده از دیپلماسی برای پیشبرد اهداف و ترجیحات اقتصادی، امروزه امری معمول است (چون امروزه رشد و توسعه اقتصادی، هدف است، نه صرفاً ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی)؛ هرچند هنوز هم از ابزارهای اقتصادی برای دستیابی به اهداف سیاسی بهره گرفته می‌شود (مانند استفاده از ابزار تحریم برای واداشتن دیگران به اقدام یا عمل در چارچوب انتظارات یا ترجیحات خود).

به این ترتیب، در زمانه کنونی، یکی از کارکردهای اصلی سیاست خارجی و متولیان آن، پیشبرد منافع اقتصادی است. با توجه به جایگاه بسیار مهم عنصر اقتصاد در قدرت ملی و اهمیت انکارناپذیر رفاه اقتصادی در

اقتصاد باشد». همچنین در جای دیگری عنوان کرده‌اند: «اقتصاد ما درون‌زا و برون‌گراست؛ ما از درون باید رشد کنیم و بجوشیم و افزایش پیدا کنیم، اما بایستی نگاه به بیرون داشته باشیم؛ بازارهای جهانی متعلق به ماست، باید بتوانیم با همت خود و با ابتکار خود، در این بازارها حضور پیدا کنیم». یا در سخنرانی دیگری فرموده‌اند: «در این سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، تکیه اصلی بر روی ظرفیت‌های داخلی است، که بسیار هم گسترده است. نه به این معنا که ما چشم‌مان را به روی امکانات بیرون کشور می‌بندیم؛ نه، حتماً استفاده می‌کنیم - استفاده حداکثری هم می‌کنیم - منتها نگاه ما، تکیه ما، اعتماد ما بیشتر بر روی مسائل داخلی است؛ تمرکز ما روی امکانات داخلی کشور و داشته‌های درونی کشور است».

بدون تردید رویکرد همه کشورهایی که توسعه پیدا کرده‌اند (به‌ویژه مؤخرین در این زمینه)، خارج از چارچوب فوق نبوده است. در همه کشورهایی که در نیمه دوم قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم توانسته‌اند وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشند و مراحل توسعه را طی کنند، در درجه اول تمرکز بر توان و منابع داخلی بوده است؛ که البته در پیوند و تعامل با بیرون، این توان و منابع توانسته شکوفایی و بالندگی ایجاد کند. هیچ کشوری تا کنون توسعه را هدیه نگرفته است و در هر جایی که توسعه‌ای اتفاق افتاده، در درجه اول محصول اراده و سخت‌کوشی درونی بوده است. با این حال، تجربه نشان داده است بدون پیوند و تعامل با بیرون نیز توسعه روی نداده است. تأکید بر درون همراه با تعامل با بیرون، نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران رویکردی را انتخاب کرده است که در صورت رعایت الزامات آن و فراهم شدن امکانات و مسیر اجرای آن، می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد. دولت یازدهم متشکل از جریان و افرادی است که به‌خوبی می‌توانند این رویکرد را اجرا کنند؛ چون عده قابل توجهی از نخبگان سیاسی ارشد این دولت، به‌ویژه شخص رئیس‌جمهور، با مباحث علمی و مسائل تجربی مربوط به توسعه‌آشنایی دارند و بر اهمیت سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی در حل مشکلات اقتصادی و پیشبرد رشد و توسعه کشور واقف هستند. در واقع، مهمترین موضوع کشور در سال ۱۳۹۲، شرایط نابسامان و نامساعد اقتصادی بود، که ریشه در تحریم‌ها و سیاست‌ها، سوءمدیریت‌ها و ناکارآمدی‌های دولت گذشته داشت. در این میان، مسئله تحریم‌ها بسیار اساسی‌تر بود؛ چون گره اصلی به شمار می‌آمد و گشودن گره‌های دیگر نیز بدون گشودن این گره، بسیار دشوار و شاید هم نشدنی بود. رشد اقتصادی حدود منفی ۷ درصد، تورم ۴۰ درصد یا حتی بیشتر از آن، بی‌ثباتی شدید در بخش‌های مختلف اقتصاد، خروج سرمایه و عدم سرمایه‌گذاری و نبود چشم‌انداز مثبت نسبت به آینده

مشروعیت‌بخشی به حکومت‌ها و دولت‌ها، غفلت از این مقوله، می‌تواند هزینه‌های حکومت و حکومت‌داری را به شدت بالا ببرد و بر قدرت ملی تأثیرات بسیار مخرب و منفی برجای بگذارد. در عصر جهانی شدن، با اتخاذ سیاست‌های انزواگرایانه، نمی‌توان به رشد و توسعه پایدار دست یافت. تجربه مخرب و ناکام سیاست «جایگزینی واردات» کشورهای آمریکای لاتین در دهه‌های پایانی قرن بیستم، که بر انزواگرایی اقتصادی و تلاش برای توسعه از درون بدون تعامل با بیرون استوار بود، تأییدی بر این موضوع است. در مقابل، تجربه موفق سیاست «توسعه صادرات» کشورهای شرق آسیا نشان می‌دهد که رشد و توسعه پایدار عمدتاً در پیوند و تعامل با بیرون امکان‌پذیر است. البته بدون تردید، محرک اصلی رشد و توسعه هر کشوری، همان توان و نیروی داخلی آن است، که در پیوند و تعامل با بیرون، شکوفاتر، پویاتر و بالنده‌تر می‌شود.

دیپلماسی اقتصادی دولت یازدهم

جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه اهمیت تعامل با بیرون در پیشبرد منافع اقتصادی و فرآیند رشد و توسعه را انکار نکرده است؛ هرچند ممکن است لزوماً در همه زمان‌ها، سیاست‌های مطلوب چنین فضایی اتخاذ نشده باشد. حتی زمانی که بحث اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، منظور مقامات ارشد کشور، انزواگرایی نیست. برای نمونه، رهبر معظم انقلاب در این مورد فرموده‌اند: «اقتصاد مقاومتی درون‌زا و برون‌گراست. من هیچ‌وقت نگفتم دور کشور حصار بکشیم، اما این درون‌زایی را فراموش نکنید؛ اگر اقتصاد ملی از درون نجوشد و فوران نکند، به جایی نخواهد رسید. بله، تعامل با دنیا در زمینه‌های اقتصادی خیلی خوب است، اما تعامل هوشمندانه و تعاملی که معنایش درون‌زایی



از مشخصه‌های اقتصادی ایران در آن مقطع بود. در چنین شرایطی، روحانی وعده داد برای حل و فصل مسئله هسته‌ای تلاش کند و در این راستا، سیاست خارجی باید نقشی کلیدی ایفا می‌کرد و در خدمت رفع تحریم‌ها، به‌ویژه تحریم‌های اقتصادی، قرار می‌گرفت.

حدود دو سال مذاکره سخت و فشرده میان ایران و ۵+۱ که در نهایت به توافق جامع هسته‌ای و توقف یا رفع تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران منجر شد، به این خواسته یا انتظار جامه عمل پوشاند. گره اصلی باز شد، اما این پایان تلاش سیاست خارجی برای اقتصاد نبوده و نیست؛ چون نخست، برجام توافقی است که باید در یک دوره زمانی مشخص اجرا شود و اجرای تعهدات آن، اگر دشوارتر از شکل‌گیری خود توافق نباشد، قطعاً کمتر از آن نیست. در این مسیر، سیاست خارجی وظیفه اصلی را دارد و در واقع فقط دیپلماسی می‌تواند مشکلات و موانع پیش‌روی اجرای این توافق را به‌طور مسالمت‌آمیز از میان بردارد. ثانیاً بهره‌برداری از بسیاری فرصت‌های پس از برجام نیاز به خلاقیت سیاست خارجی دارد. همچنین بسیاری از مزایا و فرصت‌های برجام در روح این توافق نهفته‌اند و سیاست خارجی باید در خلق آن‌ها نقش پیشرو ایفا کند. ثالثاً قرار است سیاست به اقتصاد یارانه بدهد. این را آقای رئیس‌جمهور چند مرتبه مطرح کرده است. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود در سال ۱۳۹۳ عنوان کردند: «در کشور ما سال‌ها و دهه‌هاست که اقتصاد به سیاست یارانه می‌دهد و این یارانه، دائمی نمی‌شود و یک روزی باید قطع شود و باید یک روز تصمیم بگیریم که این اقتصاد ما تا کی به سیاست یارانه بدهد. اقتصاد هم به سیاست خارجی و هم به سیاست داخلی یارانه می‌دهد. بیایم یک دهه برعکس کنیم و یک دهه امتحان کنیم و از سیاست خارجی و داخلی به اقتصاد یارانه بدهیم تا ببینیم زندگی و معیشت مردم و اشتغال جوانان چگونه خواهد شد؛ از مردم سؤال کنیم و بپرسیم».

آقای روحانی تلاش برای حل و فصل مسئله هسته‌ای را نیز در این چارچوب دنبال می‌کرد؛ به‌طوری که بعد از شکل‌گیری توافق جامع هسته‌ای گفت: «من در گذشته گفتم که اقتصاد به سیاست خارجی یارانه می‌دهد اما این دولت می‌خواهد سیاست خارجی‌اش به اقتصاد یارانه دهد، که امروز آن روزی است که وعده ما عملی شده است؛ شرایط را آماده کرده‌ایم و بانک‌های ما امروز می‌توانند فعال شوند». در این راستا، بعد از شکل‌گیری برجام، بخش عمده‌ای از وقت و انرژی دولت در سیاست خارجی، بر مسائل اقتصادی متمرکز بوده است. سفرهای خارجی رئیس‌جمهور در این مدت، اکثراً ماهیت اقتصادی داشته است. رئیس‌جمهور هم در سفری که به ایتالیا و فرانسه داشتند، هم در سفر به آمریکا برای شرکت در نشست سازمان ملل و هم در سفر اخیرشان به شرق آسیا، بیشتر وقت و تلاش خود را صرف اعتمادسازی و جلب

همکاری‌های اقتصادی در شرایط پسابرجام کرده است. در بسیاری از سفرهای وزیر امور خارجه، از سفرهای اروپایی گرفته تا سفرهای آمریکای لاتین، آفریقایی و آسیایی وی، نیز بخش قابل توجهی از تلاش‌ها متمرکز بر مسائل اقتصادی بوده است.

همچنین مذاکرات پسابرجام وزارت خارجه با آمریکایی‌ها نیز به بحث‌های اقتصادی و به‌ویژه مسئله رفع تحریم‌ها و مشکلاتی که در این مورد وجود داشته (به‌خصوص در زمینه دسترسی ایران به سیستم مالی بین‌المللی و عدم همکاری بانک‌های بزرگ با مؤسسات و بانک‌های ایرانی) اختصاص داشته است. این تلاش‌ها، تا کنون هم دستاوردهایی در پی داشته و هم شرایط و فضای مناسب‌تری را برای اقتصاد ایران فراهم کرده است؛ هرچند هنوز هم مشکلات و موانع زیادی باقی مانده است و هر چه جلوتر حرکت می‌کنیم مسائل جدیدی ممکن است مطرح شود. لغو مجوز فروش هواپیماهای غیرنظامی به ایران، که تحریم آن مربوط به ادعای حمایت ایران از تروریسم بود و انعقاد قراردادهایی با شرکت‌های ایرباس و بوئینگ، یکی از دستاوردهای مهم سیاست خارجی دولت یازدهم در این مورد است که بعد از کشمکش‌های فراوان میان دولت با کنگره و مخالفان سرسخت توافق هسته‌ای، موفقیت بزرگی به شمار می‌آید. صنعت خودروسازی و شرکت‌های فعال در این زمینه نیز تا کنون از دیپلماسی اقتصادی دولت، نسبت به دیگر بخش‌ها، بهره‌زیادی برده‌اند و وارد قراردادهای همکاری و سرمایه‌گذاری مشترک قابل توجهی با شرکت‌های خودروسازی خارجی شده‌اند.

تحولات اخیر در این زمینه، به‌ویژه توافق همکاری مشترک میان سازمان گسترش و نوسازی ایران (ایدرو) و خودروسازی رنو، در ادامه تلاش‌های دو سال اخیر صنعت خودروسازی جمهوری اسلامی ایران

زمینه کاهش یافت و جمهوری اسلامی ایران امکان خرید قطعات یدکی مورد نیاز هواپیماهای غیرنظامی و همچنین تعمیر این نوع هواپیماها و خدمات مرتبط با آن‌ها را به دست آورد.

در توافق برنامه جامع اقدام مشترک، تحریم هواپیمایی غیرنظامی ایران به طور کامل برداشته شد و کشورمان برای اولین بار بعد از بیش از ۳۰ سال فرصت نوسازی ناوگان هوایی غیرنظامی خود را به دست آورد. در جریان سفر رئیس جمهور ایران به فرانسه در بهمن ۱۳۹۴، قرارداد فروش ۱۱۸ فروند ایرباس به ایران، میان شرکت‌های ایران ایر و ایرباس منعقد شد. همچنین در خرداد ۱۳۹۵، قراردادی میان ایران ایر و بوئینگ امضاء شد که به موجب آن قرار است ۸۰ هواپیمای بوئینگ از سوی این شرکت آمریکایی به ایران فروخته شود. در مورد فروش این هواپیماها به ایران، هم در آمریکا و هم در ایران، بحث‌های زیادی صورت گرفت. در آمریکا، مخالفان توافق هسته‌ای به ویژه کنگره این کشور، تلاش زیادی کرد تا جلوی فروش این هواپیماها به ایران را بگیرد. استدلال افراد و گروه‌هایی که در این مورد فعال بودند، احتمال استفاده نظامی جمهوری اسلامی ایران از این هواپیماها بوده است. همچنین آنها مدعی شدند که ایران ممکن است از این هواپیماها به گونه‌ای استفاده کند که نقض تحریم‌های پابرجای آمریکا علیه ایران باشد (مانند کمک رساندن به دولت سوریه از طریق این هواپیماها). در ایران نیز عده‌ای اقدام دولت در خرید این هواپیماها را تجملاتی و نامناسب با وضع اقتصادی و اولویت‌های کشور دانستند؛ که البته به نظر می‌رسد این انتقادات چندان از روی واقع‌بینی نیست. زیرا طی ۳۰ سال گذشته بیش از ۲۰ هواپیمای غیرنظامی ایران سقوط کرده است و بیش از دو هزار نفر در این تصادفات جان خود را از دست داده‌اند. همچنین تعداد زیادی از هواپیماهای غیرنظامی ایران به دلیل تحریم‌ها زمین گیر شده‌اند. بسیاری از هواپیماهای موجود در ناوگان هوایی کشور نیز عمر مفید خود را گذرانده‌اند و ایمنی لازم را ندارند و تعمیر آن‌ها هم نمی‌تواند در بلندمدت مشکلات و کمبودهای موجود در این زمینه را جبران کند. علاوه بر این، مشخص نیست که فرصت موجود برای نوسازی ناوگان هوایی کشور، همیشگی و پایدار باشد. در چنین وضعیتی، قطعاً جمهوری اسلامی ایران باید از فرصت موجود استفاده کند. البته در مورد اینکه آیا بهتر نبود بخش خصوصی بیشتر درگیر خرید هواپیما شود یا خیر و اینکه آیا امکان چنین چیزی فراهم بوده یا نبوده، جای بحث وجود دارد. به هر حال، وزارت خزانه‌داری آمریکا مجوز فروش ۱۷ ایرباس به ایران تا پایان سال جاری را صادر کرده است و پیش‌بینی می‌شود در زمان‌های مقرر در قرارداد، مجوزهای لازم برای فروش دیگر موارد مطرح در قرارداد ایران ایر و ایرباس نیز صادر گردد.

برای جلب همکاری‌های مفید و پایدار با شرکت‌های خودروسازی پیشروی جهانی، اهمیت فراوانی دارد. وزارت خزانه‌داری آمریکا اخیراً پرسش و پاسخ‌های خود در مورد حدود مجاز معاملات و همکاری‌های اقتصادی با ایران را به روز نموده و در این میان، به نظر می‌رسد تا حدودی معاملات دلاری با ایران را، نسبت به گذشته، تسهیل کرده است. در ادامه، به میزان اهمیت این موارد و چالش‌هایی که در این مورد ممکن است وجود داشته باشد، پرداخته خواهد شد.

صدور مجوز فروش هواپیما به ایران

جمهوری اسلامی ایران از زمان بحران تسخیر سفارت آمریکا تا کنون، جز در فاصله توافقی الجزایر (که به این بحران پایان داد) تا سال ۱۹۸۴ (که ایران به بهانه حمایت از تروریسم بار دیگر تحت تحریم آمریکا قرار گرفت)، همیشه تحت تحریم ایالات متحده بوده و تقریباً در تمام این دوران نیز بخش حمل و نقل هوایی کشورمان در تحریم قرار داشته و امکان فروش هواپیماهای ساخت شرکت‌های آمریکایی به ایران میسر نبوده است. در همین چارچوب، فروش هواپیماهای بوئینگ (که کاملاً ساخت آمریکا است) و ایرباس (که بخشی از قطعات آن را شرکت‌های هواپیماسازی آمریکایی فراهم می‌کنند) به جمهوری اسلامی ایران ممنوع بوده است. حتی فروش قطعات مورد نیاز هواپیماهای بوئینگ و ایرباس به ایران نیز مشمول تحریم بوده است در حالیکه جایگزین مناسبی نیز برای ایران در این زمینه وجود نداشت. سقوط چند هواپیمای توپولوف و آنتونوف ۱۴۰، نشان داد هواپیماهای روسی کیفیت و ایمنی لازم را ندارند و از خطوط هوایی کنار گذاشته شدند. در توافق کوتاه‌مدت ژنو در نوامبر ۲۰۱۳ تحت عنوان «برنامه اقدام مشترک»، محدودیت‌ها در این



خودروسازی که ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی و ۴ درصد نیروی کار ایران را در بر می گیرد و بعد از صنعت نفت و گاز، دومین صنعت بزرگ ایران محسوب می شود، در سال های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ در اثر فشار تحریم ها با دشواری های زیادی روبه رو شد و تولیدات این بخش با کاهش قابل توجهی مواجه گشت. در سال ۲۰۱۳ تولیدات خودروی ایران نسبت به ۲۰۱۱ حدود ۵۰ درصد کاهش داشته است. جدول زیر روند تولید خودروی ایران در فاصله ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ را نشان می دهد.

همچنین گفته می شود وزارت خزانه داری آمریکا، مجوز فروش ۸۰ هوپیمای بوئینگ به ایران را صادر کرده است. البته به رغم صدور این مجوزها، عباس عراقچی، معاون وزیر امور خارجه گفته که هنوز مذاکرات ایران ایر با ایرباس و بوئینگ ادامه دارد و به نتیجه نهایی نرسیده است.

قراردادهای بخش خودروسازی

یکی دیگر از بخش های اقتصاد کشور که طبق توافق کوتاه مدت ژنو موسوم به «برنامه اقدام مشترک» و سپس «برنامه جامع اقدام مشترک» یا «برجام» از بند تحریم ها رها شد، صنعت خودروسازی است. این بخش از صنعت کشور در دوران تحریم ها، آسیب زیادی دید. صنعت

تولید خودرو ایران از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵

کالا/ سال	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵
خودرو	۱۵۹۹۴۵۴	۱۶۴۹۳۱۱	۱۰۰۰۰۸۹	۷۴۳۶۸۰	۱۰۹۰۸۴۶	۹۸۲۳۳۷

The International Organization of Motor Vehicle Manufacturers, 2016

خودرو رقم بخورد». بر این اساس، قراردادهایی میان ایران خودرو و سایپا با شرکت های فرانسوی پژو و رنو ایجاد شده است، که در این قراردادها، طرف ایرانی تلاش کرده است همکاری با طرف خارجی را مشروط به انتقال تکنولوژی، سرمایه گذاری و تولید و توسعه به صورت مشترک کند. در این مورد نیز بر روی کاغذ نتایج نسبتاً خوبی حاصل شده است، هر چند برخی معتقدند در گذشته نیز قراردادهایی با همین مضامین و مفاد منعقد شده، اما طرف خارجی به تعهدات خود عمل نکرده است و هیچ تضمینی نیست که در آینده نیز چنین رویکردی را در پیش نگیرد. عده ای از منتقدان بر این باورند که دولت به هر قیمتی می خواهد ایران خودرو و سایپا را حفظ کند و به همین دلیل قصد ندارد اجازه بدهد خودروسازهای خارجی به طور مستقل در ایران شعبه ایجاد کنند. در قرارداد جدید

در چنین شرایطی، شرکت های خودروسازی در فضای پس از تحریم، تلاش کرده اند با خودروسازان خارجی وارد همکاری شوند و عقب ماندگی ها و آسیب های تحریم های یک دهه گذشته را جبران کنند. در این راستا، سیاست کلی بخش خودروسازی، شریک شدن با شرکت های خارجی در تولید، توسعه و بازارهای صادراتی است. در واقع، بر اساس رویکرد اقتصاد مقاومتی و بر مبنای تجارب گذشته و همچنین نگاه دولت یازدهم به بحث توسعه، خودروسازان جمهوری اسلامی ایران دیگر قصد ندارند مانند سابق صرفاً تحت لیسانس شرکت های خارجی به تولید خودرو اقدام کنند. مدیرعامل ایران خودرو، این مسئله را این گونه مطرح کرده است: «به صلاح صنعت خودرو نیست که مجدداً تحت لیسانس خودروسازان فرانسوی به تولید خودرو ادامه دهد. ما باید به دنبال مشارکت باشیم، به گونه ای که هدف، تولید و توسعه محصول باشد». مدیر کل دفتر خودرو و نیروی محرکه وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز چشم انداز همکاری بخش خودروسازی با طرف های خارجی در پسابرجام را این گونه ترسیم کرده است: «حرکت خودروسازان باید به شکلی باشد که در آینده به یکی از قطب های خودروسازی منطقه تبدیل شوند. این اتفاق دور از دسترس نیست. بر این اساس روابط خودروسازان داخلی با شرکت های خارجی باید به نحوی باشد که توسعه صنعت



تسهیل مبادلات دلاری با ایران

قطع ارتباط مالی جمهوری اسلامی ایران با سیستم مالی آمریکا سابقه طولانی دارد و به دهه ۱۹۸۰ برمی گردد. با وجود این، تا قبل از سال ۲۰۰۸، سیستم مالی آمریکا نقل و انتقالات دلاری بانکها و مؤسسات غیر آمریکایی با جمهوری اسلامی ایران را به صورت غیرمستقیم در قالب U-Turn، تسهیل می کرد. از ۲۰۰۸ به بعد، وزارت خزانه داری آمریکا هرگونه تسهیل نقل و انتقادات دلاری برای جمهوری اسلامی ایران توسط سیستم مالی آمریکا را ممنوع اعلام کرد. این به معنای آن بود که ایران به طور کامل تحریم دلاری شده است. این برای جمهوری اسلامی ایران مشکلات و هزینه های گسترده ای ایجاد کرد. در توافق برجام نیز این محدودیت ها رفع نشد، چون طرف مقابل استدلال می کرد که این موانع مربوط به تحریم های غیر هسته ای است. در نتیجه، بعد از اجرای توافق هسته ای، بخش عمده ای از موانع و محدودیت ها بر سر راه ارتباط سیستم مالی ایران با بیرون باقی مانده و باعث شد تا جمهوری اسلامی نتواند از مزایا و فرصت های برجام به طور کامل استفاده کند.

البته فضای نامناسب یک دهه گذشته میان سیستم مالی ایران با بانکها و مؤسسات خارجی، برخی عقب ماندگی های جدی سیستم مالی و بانکداری ایران نسبت به تحولات جهانی در این زمینه، ریسک ناشی از تحریم های باقی مانده علیه ایران به ویژه تحریم های اولیه آمریکا برای بانک های بزرگ خارجی (با توجه به تجاری ماندن جریمه بیش از ۹ میلیارد دلاری یکی از بانک های فرانسوی به دلیل نقض تحریم های ایران در سال های گذشته)، وجود مکانیزم بازگشت خود کار تحریم ها در توافق برجام (در صورت نقض این توافق توسط ایران، طی مراحل اگر مشکل رفع نشود، تحریم ها برمی گردد) و درپیش بودن انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا و ایران نیز مواردی هستند که به این وضعیت دامن می زنند. به هر حال، از آنجا که در توافق برجام آمده است که آمریکا و اتحادیه اروپا بر سر راه تجارت با ایران ایجاد نخواهند کرد و حتی آنها متعهد شده اند که به تسهیل تجارت با ایران کمک کنند، جمهوری اسلامی ایران بارها اعتراض خود را نسبت به عدم اجرای برخی تعهدات توافق توسط طرف مقابل اعلام کرده است. همچنین کشورها و شرکت های مختلفی که قصد تجارت با ایران و سرمایه گذاری در این کشور را دارند و نمی خواهند فرصت های موجود را از دست بدهند، بر آمریکایی ها فشار می آورند که امکان تجارت و همکاری با ایران را تسهیل کند و در این مورد، شفاف سازی های بیشتری انجام دهد. به هر حال این طبیعی است که تاجر و سرمایه گذار خارجی تا زمانی که اعتماد کافی پیدا نکند، ریسک بالای معامله با

سازمان گسترش و نوسازی ایران (ایدرو) با رنو، به نظر می رسد تا حدودی به این انتقاد توجه شده است. طبق این قرارداد، شرکت همکاری مشترک (جوینت ونچر) برای تولید محصولات مشترک ایجاد خواهد شد که ۴۰ درصد سهام آن متعلق به ایدرو و ۶۰ درصد آن متعلق به رنو خواهد بود.

در این همکاری مشترک، رنو اقدام به راه اندازی یک سایت خودروسازی و نیز انتقال تکنولوژی و سرمایه گذاری خواهد کرد. ظرفیت اولیه تولید کارخانه مشترک رنو و ایدرو سالانه ۱۵۰ هزار دستگاه بوده و دو خودروی سیمبل و داستر جدید به عنوان اولین محصولات در سال ۲۰۱۸ در این کارخانه به تولید خواهند رسید. بر اساس این قرارداد، رنو بدون مشارکت ایران خودرو و سایپا و به طور مستقل به تولید محصولات خود در ایران اقدام خواهد کرد. با توجه به سهم ۶۰ درصدی رنو در این قرارداد جوینت ونچر، این شرکت فرانسوی مرکز تولید، فروش و خدمات پس از فروش محصولات خود را به طور مستقل از ایران خودرو و سایپا در ایران ایجاد خواهد کرد. البته با توجه به آن که ایدرو سازمانی دولتی است و طبق قانون حق بنگاهداری و حضور مستقیم در شرکت های خصوصی را ندارد، گفته می شود احتمالاً در آینده و با راه اندازی کارخانه جدید، این سازمان ۲۰ درصد از سهم خود را به بخش خصوصی عرضه کند؛ که در آن صورت، پیش بینی می شود به احتمال زیاد ایران خودرو و سایپا از مشتریان اصلی خرید سهام این کارخانه جدید و در نتیجه مشارکت دوباره با شرکت رنوی فرانسه خواهند بود. همچنین گفته می شود احتمال حضور خودروسازهای آلمانی، ژاپنی و ایتالیایی نیز در ایران وجود دارد و شرکت هایی از این کشورها با ایرانی ها گفتگو هایی داشته اند.

ایران را نمی‌پذیرد. در نتیجه اعتراض‌های ایران و تا حدودی چانه‌زنی‌ها و فشارهای اروپایی‌ها، وزارت خزانهداری آمریکا در ماه مارس سال جاری میلادی اعلام کرد که در راستای پایبندی به «متن و روح» برجام و کسب اطمینان از اینکه ایران از این توافق منتفع می‌شود، در تلاش است راهی پیدا کند تا امکان استفاده از دلار را تا حدودی برای این کشور تسهیل کند. جکوب لو، وزیر خزانهداری آمریکا، که در بنیاد صلح کارنگی در این مورد سخن می‌گفت (۳۱ مارس ۲۰۱۶)، در دفاع از این اقدام، استدلال کرد: «اگر حوزه‌های قضایی و شرکت‌های خارجی احساس کنند که ما تحریم‌ها را بدون توجیه کافی یا به دلایل نامناسب - به‌ویژه تحریم‌های ثانویه - اعمال خواهیم کرد، در صورتی که آن‌ها در جستجوی راه‌هایی برای پرهیز از تجارت در ایالات متحده یا با دلار آمریکا برآیند، نباید متعجب شویم».

وزیر خزانهداری آمریکا در توضیح استدلال خود گفت: «خطر اینکه گسترش تحریم‌ها نهایتاً فعالیت تجاری را از سیستم مالی آمریکا دور کند، می‌تواند حادث‌تر شود». این در واقع مسئله‌ای است که بسیاری از کارشناسان آمریکایی، به‌ویژه کسانی که در حوزه تحریم فعال هستند، همیشه نسبت به آن هشدار می‌دهند و بر این باور هستند که گسترش بیش از حد تحریم‌ها، در شرایطی که دلایل موجه کافی برای آن وجود نداشته باشد، می‌تواند اعتبار گزینه تحریم را در سیاست خارجی آمریکا کاهش دهد و این در بلندمدت، به ضرر ایالات متحده است؛ چون یکی از اهرم‌های اعمال قدرت خود در سطح جهان را از دست می‌دهد. به هر حال، این اظهارات جکوب لو، انتقادات شدیدی را در میان مخالفان برجام در آمریکا در پی داشت. حتی برخی از دموکرات‌های کنگره نیز علیه چنین کاری موضع گرفتند و از آن به‌عنوان سابقه‌ای بد در رابطه با ایران انتقاد کردند. با این حال، وزارت خزانهداری آمریکا اخیراً در جریان به‌روز کردن پرسش و پاسخ‌های خود درباره حدود مجاز تجارت و تعامل اقتصادی با ایران، تلاش کرده است تخفیف‌هایی در مورد تجارت و معامله با دلار با ایران برای غیرآمریکایی‌ها در نظر بگیرد.

در جواب به سوالی مبنی بر اینکه «آیا پس از روز اجرای توافق جامع، مؤسسات مالی خارجی شامل شعبه‌های خارجی مؤسسات مالی آمریکا، می‌توانند به نیابت از دولت ایران یا هر شخصی از دولت ایران، از جمله بانک مرکزی یا شرکت ملی نفت، تراکنش‌های بر پایه دلار انجام دهند یا حساب‌هایی بر پایه دلار ایجاد کنند؟»، وزارت خزانهداری آمریکا عنوان کرده است: «بله. مؤسسات مالی خارجی شامل شعبه‌های خارجی مؤسسات مالی آمریکا، ممکن است برای کسی که در ایران

باشد یا برای منفعت فردی که دارای‌هایش و سود آن‌ها بر اساس دستور اجرایی ۱۳۵۹۹ و بخش ۵۶۰ قانون کاهش تهدید ایران بلوکه شده باشد، شامل شرکت ملی نفت و بانک مرکزی ایران و سایر اشخاص و نهادهایی که به‌عنوان دولت ایران یا یک مؤسسه مالی ایرانی شناخته می‌شود، تراکنش بر پایه دلار انجام دهند یا حساب پایه دلار ایجاد کنند؛ به شرط اینکه آن تراکنش و فعالیت‌های حساب، مستقیم و غیرمستقیم، درگیر سیستم مالی آمریکا یا یک فرد آمریکایی نباشد و نیز درگیر با هیچ یک از افراد لیست ویژه تحریمی ملی نباشد».

در ادامه پاسخ مذکور آمده است: «با این حال، حتی پس از روز اجرا، مؤسسات مالی خارجی، شامل شعبه‌های خارجی مؤسسات مالی آمریکا، نیاز است اطمینان حاصل کنند که تراکنش پایه دلار را که درگیر سیستم اقتصادی و مالی ایران باشد، از طریق نظام مالی آمریکا انجام نمی‌دهند. مؤسسات مالی شامل شعبه‌های خارجی آن‌ها، باید توجه داشته باشند که ممنوعیت افراد آمریکایی برای صادرات کالا و خدمات، شامل خدمات مالی، فناوری به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به ایران، به جز تراکنش‌هایی که مجوز اوفک (دفتر کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا) را داشته باشد، ادامه دارد. ممنوعیت افراد آمریکایی برای درگیر بودن در تراکنش‌هایی که با ایران مرتبط است، شامل سایر ارزش‌های غیردلاری، به جز تراکنش‌هایی که مجوز اوفک دارند، پابرجاست». عده‌ای این پاسخ وزارت خزانهداری آمریکا را در راستای تسهیل استفاده ایران از دلار و نشانه‌ای برای اطمینان‌بخشی بیشتر به کشورهای، شرکت‌ها و افراد غیرآمریکایی برای تجارت با ایران

نتیجه گیری

تمرکز بخش قابل توجهی از فعالیت سیاست خارجی بر اهداف و منافع اقتصادی، یکی از ضرورت‌ها و الزامات اساسی هر دولتی در زمانه کنونی است؛ چون اقتصاد اهمیت و جایگاه بسیار مهمی در پازل قدرت دولت‌ها و مشروعیت‌بخشی به حکومت‌ها پیدا کرده است. البته اقتصاد همیشه مهم بوده، اما در دوران کنونی این اهمیت افزون‌تر شده و تلاش برای دستیابی به توسعه و شکوفایی بیشتر، برای همگان تبدیل به یک ارزش شده است. توسعه و شکوفایی بیشتر نیز هر چند عمدتاً مبتنی بر تلاش و زحمت و اتکا به منابع و داشته‌های داخلی است، اما هر چند هم این منابع و داشته‌ها غنی باشند، تجربه نشان داده است در شرایط انزوا و بدون پیوند و تعامل با بیرون، بسیار دشوار است که بتوان استفاده مطلوب از آن‌ها به عمل آورد و در راستای بالندگی و شکوفایی، تغییری جدی و پایدار ایجاد کرد. تقریباً هیچ مثال نقضی برای این مسئله وجود ندارد و همه کشورهای که مراحل توسعه را گذرانده‌اند، به‌ویژه دولت‌های تازه توسعه یافته یا در حال توسعه، تنها با اتکای بر داخل و پیوند و تعامل با بیرون توانسته‌اند شکوفایی ایجاد کنند و مراحل توسعه را پشت سر بگذارند.

جمهوری اسلامی ایران نیز هیچ‌گاه این موضوع را انکار نکرده است و مقامات ارشد کشور همیشه بر اهمیت تکیه همزمان بر توان داخلی و تعامل با خارج (درون‌گرایی همراه با برون‌گرایی) برای پیشبرد فرآیند رشد و توسعه تأکید کرده‌اند. یک نمونه بارز آن، چشم‌انداز ۱۴۰۴ یا «سند چشم‌انداز ۲۰ ساله» است، که در آن، بر توجه همزمان به منابع داخلی و تعامل با بیرون برای پیشرفت و توسعه کشور تأکید شده است. گفت‌مان یا رویکرد اقتصاد مقاومتی نیز بر درون‌گرایی و برون‌گرایی به صورت توأمان، برای رفع مشکلات اقتصادی و توسعه و شکوفایی اقتصاد کشور تأکید دارد. خیلی از مقامات دولت یازدهم، به‌ویژه شخص رئیس‌جمهور، که با تجربیات توسعه کشورهای دیگر آشنایی دارند، نیز قائل به این دیدگاه هستند؛ یعنی تکیه بر توان و تولید داخلی و تلاش برای استفاده از ظرفیت‌های جهانی، مانند دانش، تکنولوژی و سرمایه‌گذاری خارجی، برای بالنده‌تر و پویاتر کردن توانمندی‌های داخلی. در این راستا و البته با توجه به وضعیت کشور و ضرورت‌های پیش‌روی آن، تا کنون بخش عمده‌ای از انرژی و فعالیت دولت یازدهم متمرکز بر همین مسئله بوده است.

تحریم‌ها، که گره‌کلیدی مشکلات اقتصاد کشور بود، با تلاش‌های دیپلماتیک این دولت، رفع شدند و پس از اجرای برجام نیز بخش قابل توجهی از ظرفیت و توان سیاست خارجی و دستگاه دیپلماسی کشور صرف تلاش برای اجرای مطلوب و مفید این توافق و همچنین بهره‌گیری از فضای پس‌ابرجام، برای توسعه همکاری‌ها با بیرون در راستای اهداف

تحلیل کردند. این اقدام وزارت خزانه‌داری نیز با انتقادات گسترده مخالفان توافق هسته‌ای در آمریکا مواجه شد. لابی صهیونیستی آپیک در بیانیه‌ای اعلام کرده است که این اقدام «الگویی از امتیازدهی نابحق به تهران، همزمان با تشدید فعالیت‌های تروریستی، آزمایش‌های موشکی بالستیک و تخلفات حقوق بشر آن را تسریع می‌کند».

این در حالی است که برخی معتقدند نباید انتظار داشت این پاسخ وزارت خزانه‌داری آمریکا، مشکلات پیش‌روی ارتباط مؤسسات مالی و بانک‌های ایرانی با سیستم مالی جهانی و نیز تجارت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را از میان بردارد. برای نمونه، معاون بانک، بیمه و شرکت‌های دولتی وزیر اقتصاد عنوان کرده است: «تغییراتی که در پرسش و پاسخ‌های گزارش راهنمای مربوط به برجام سایت اوفک رخ داده است، بسیار جزئی بوده و چندان قابل ملاحظه نیستند که به موجب آن انتظار ایجاد تغییرات چشم‌گیری در روابط مالی ایران با بانک‌های بزرگ دنیا داشته باشیم». از نظر وی، این «اصلاحات کلی جهت‌گیری مثبت و تسهیل‌گرانه دارد، ولی نمی‌شود گفت تغییر محتوایی قابل ملاحظه‌ای اتفاق افتاده و ریسک قابل ملاحظه‌ای را از سر راه بانک‌های خارجی که می‌خواهند با ایران مبادله کنند، برداشته شده است». در واقع، مسئله اصلی این است که هنوز ابهامات مهم رفع نشده است. شرطی که گذاشته شده مبنی بر اینکه تراکنش‌ها و فعالیت‌های بر پایه دلار با ایران، نباید به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، درگیر سیستم مالی آمریکا یا یک فرد آمریکایی باشند و نیز درگیر هیچ‌یک از افراد لیست ویژه تحریمی ملی نباشند، همچنان معامله با ایران را در شرایط ابهام و ریسک بالا نگه می‌دارد.



موانع و جذب تکنولوژی و سرمایه‌گذاری خارجی و همچنین ایجاد فرصت برای صادرات، ضرورت دارد سیاست خارجی کشور بسیار بیش از وضعیت موجود، بر دیپلماسی اقتصادی تمرکز کند. این موضوع به تعبیر آقای روحانی، نیازمند آن است که گفتمان و اولویت کشور، اقتصادی شود.

از ۱۹۹۹ به بعد، هم در سیاست داخلی و هم در سیاست خارجی، اقتصاد به گفتمان و اولویت اصلی کشور نیجریه تبدیل شد و این کشور آفریقایی هرچند از بی‌ثباتی داخلی و ضعف مفرط زیرساخت‌های مادی و قانونی رنج می‌برد، اما پیشرفت‌های بسیار مهمی در اقتصاد آن اتفاق افتاده است. مقایسه موجودی ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ ایران و نیجریه در سه مقطع زمانی ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۱۴ نشان می‌دهد با وجود این که نیجریه از لحاظ زیرساخت‌های مادی و قانونی ضعف‌های جدی دارد و سطح بی‌ثباتی سیاسی آن بالاست، اما در جذب سرمایه‌گذاری خارجی بسیار پیشروتر از کشور ما عمل کرده است. آمار مربوط به گزارش ۲۰۱۵ سازمان «کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل» معروف به «آنکتاد»، این امر را به روشنی بازتاب می‌دهد.

و منافع کشور، شده است. در همین راستا، سفرهای خارجی رئیس جمهوری و وزیر امور خارجه، چه قبل و چه بعد از برجام، عمدتاً بر مسائل اقتصادی متمرکز بوده است. همچنین مقامات دیگری از دولت مانند وزیر اقتصاد، وزیر صنعت، معدن و تجارت، وزیر راه و شهرسازی و رئیس بانک مرکزی هم در مسیر دیپلماسی اقتصادی دولت تا حدود زیادی فعال بوده‌اند و نیاز است بخش‌های دیگر دولت نیز در این راستا فعالیت بیشتری داشته باشند و هر کدام متناسب با زمینه کاری و وظایف و اختیارات خود، نقشی در پیشبرد منافع و اهداف اقتصادی کشور ایفا کنند. از طریق این گشایش‌ها، بخش خودروسازی توانسته قراردادهایی با خودروسازان فرانسوی منعقد کند و انتظار می‌رود شرکت‌های خودروسازی برخی از کشورهای دیگر مانند آلمان، ژاپن و شاید ایتالیا نیز وارد همکاری با خودروسازی‌های داخلی شوند. بخش هواپیمایی کشوری هم قراردادهایی با ایرباس و بوئینگ منعقد کرده است که البته هنوز نهایی نیست، ولی وزارت خزانه‌داری آمریکا مجوز فروش هواپیما به ایران از سوی این دو کشور را صادر کرده است.

همچنین اخیراً با اصلاحاتی که در پرسش و پاسخ‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا دربارهٔ حدود مجاز همکاری و تجارت با ایران منتشر شده است، به نظر می‌رسد تا حدودی محدودیت‌های استفاده از دلار این کشور برای ایران و افراد و شرکت‌های غیرآمریکایی که قصد همکاری و تجارت با ایران را دارند، تسهیل شده است؛ هرچند هنوز هم مشکلات زیادی وجود دارد و همین اصلاحیه نیز ابهاماتی دارد که ریسک همکاری با ایران از سوی بانک‌ها و مؤسسات مالی غیرآمریکایی را همچنان بالا نگه می‌دارد. در مجموع، دیپلماسی اقتصادی دولت یازدهم تا کنون گشایش‌هایی ایجاد کرده است، اما هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی دارد. با توجه به مشکلات پیش‌روی کشور و نیاز به همکاری و ارتباط با بیرون برای رفع برخی

جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ایران و نیجریه از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ (به میلیون دلار)

کشور/ سال	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴
ایران	۲۹۸۳	۳۶۴۹	۴۲۷۷	۴۶۶۲	۳۰۵۰	۲۱۰۵
نیجریه	۸۶۵۰	۶۰۹۹	۸۹۱۵	۷۱۲۷	۵۶۰۸	۴۶۹۴

UNCTAD, World Investment Report, 2015

1. FDI Inward Stock

